

بررسی و تحلیل نمادپردازی در ۷ اثر داستانی مصور کودک و نوجوان دهه‌ی هشتاد

سهاد صایغ^۱

چکیده

نمادپردازی در ادبیات داستانی نقش مهمی دارد. انسان اندیشمند، نمادگرا است و دوست دارد با او به صورت نمادین صحبت شود. کودکان نیز از این ویژگی مستثنی نیستند و بسیاری از مفاهیم انسانی را می‌توان به صورت نمادین به آن‌ها آموزش داد و با ارائه‌ی الگوهای شخصیتی نمادین نکات ارزشمند اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و ... را یاد داد. در این مقاله سعی شده با طراحی جدولی از انواع نمادها، ۷ داستان مصور تخیلی کودکان و نوجوانان را از نظر نمادپردازی مورد بررسی قرار داد. این تحقیق قابل تعمیم به انواع گونه‌های داستانی کودک و نوجوان و حتی بزرگ سال بوده و راه گشای انتقال مؤثر مفاهیم مختلف، از طریق انواع نمادپردازی به کودک و نوجوانان دانست.

مقدمه

انسان اندیشمند، نمادگرا است. دوست دارد که با او نمادین صحبت کنند. برای گل‌ها زبان باز می‌کند؛ از گذشته‌ها، گل سرخ را نشانه‌ی دوست داشتن و گل زرد را نشانه‌ی تنفر گرفته است. برای مو پیچ قایل می‌شود، برای اشارت‌های ابرو، معنی می‌تراشد و همیشه انسان امروز از نماد گرایی ناگزیر است. از علایم راهنمایی و رانندگی گرفته تا اشارات، رمز و رموز کارها.

سیر تولید هنری هم به طرف گسترش نماد گرایی است. شاید بتوان گفت که حرف آن عده از منتقدین که می‌گفتند رئالیسم اصلاً وجود ندارد، پر بی بها نباشد. شاید هم بتوان به این نکته توجه کرد که زبان و طرح قصه دقیقاً نمی‌تواند؛ زبان رئالیسم باشد. با توجه به این که رئالیست‌ها خیلی نتوانستند رئالیسم را به آن معنی که باید معنی کنند و آن را گزارش و شرح حال مجزا نمایند.

زبان تمثیل، سمبل نماد و بیان سوررئالیسم و بیانی که توام با حرکت سیال ذهن باشد؛ بیان هنری تر است. منتهی به شرط نرفتن به وادی آشفته‌گی و پیگیری منطق خاص بیان تمثیل و سمبل و سوررئالیسم. (رحماندوست، ۱۳۶۵: ۵۴-۵۷)

نماد کلمه‌ای است که معنایی فراتر از جنس خود و حتی شاید معنایی غیر از جنس خود روایت کند. گاهی اوقات هرچه بر مفهوم نماد تأمل شود پیچیدگی و ابهام آن بیشتر می‌شود، تا حدی که مفسر را در برابر معناهای متفاوت و متناقض قرار می‌دهد که این خود از ویژگی‌های رمز است. (محمد رضا نظری دارکوبی منتقد ادبی)

نماد شیوه‌ای غیر صریح است که نویسنده با استفاده از آن، موضوعی را تحت پوشش موضوعی دیگر، چیزی را بر حسب چیز دیگر عنوان می‌کند و صحنه‌ها و مفاهیمی را با توسل به نشانه و نمونه پیش می‌کشد. (جمال میر صادقی، عناصر داستان، ص ۵۴۳)

درآمد

تعریف نماد (Symbol) و انواع آن

نماد چیزی است که به جای چیز دیگر قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر چیزی است که معنای خود را بدهد و جانشین چیز دیگری بشود یا چیز دیگری را القا کند. مثلاً وقتی می‌گوییم «گل سرخ»، منظور همان گل سرخ است، اما همین لفظ علاوه بر مصداقی که در دنیای خارج دارد، مفهومی بیش از لفظ و مصداق خود را در ذهن ما تداعی می‌کند. مثلاً ما را به یاد جوانی و زیبایی و عشق و محبوب می‌اندازد. یا «شب»، غیر از تاریکی، «نماد» خفقان و دیکتاتوری نیز هست. در واقع در نمادگرایی از محسوس و عینی، مفهوم نامحسوس و ذهنی را اراده می‌کنیم.

نماد می‌تواند به صورت نشانه‌ای بیاید: مثل پرچم که تکه پارچه‌ای است و در عین حال، به عنوان، «نماد» برای کشور به کار می‌رود. نماد می‌تواند به صورت واژه بیاید: مثل «شب»، مثل «آب» نماد پاکی و تطهیر، «لاله» نماد جوانی و پاکی و شهید، «شیر» نماد شجاعت، «روبه» نماد حيله‌گری. نماد می‌تواند به صورت عبارتی بیاید: مثلاً مادر می‌گوید: «گل من پرپر شد»، خبر از مرگ بچه‌اش می‌دهد. بنابراین، نماد عبارت است از: نشان دادن چیزی غیر از ظاهر آن. نمادها غالباً به سه شکل عمده در داستان ظاهر می‌شوند:

۱- **نمادهای طبیعی (the natural symbol):** نمادهایی مشابه هستند که چیزی فراتر و جامع‌تر از خود نشان می‌دهند. مثل «گل سرخ» که ذاتاً زیباست، اما مفهومی عالی‌تر از «زیبایی» را منعکس می‌کند. یا «زالو» که گرمی خون خوار است و معنایی فراتر از خودش را القا می‌کند (جنایتکار و نزول خوار).

۲- **نمادهای مستور (the private symbol):** نام دیگر این نمادها، نمادهای شخصی است که معنای خود را فقط در خلال داستان ظاهر می‌سازند و عموماً برداشت واحدی از آن نمی‌شود و مورد پذیرش همه به صورت یکسان نمی‌باشد. مانند «موجود اثیری» در برابر «زن بدکار» که نماد مستوری را ارایه می‌دهد که به علت پذیرش نسبی آن در ادبیات ما، امروزه «موجود اثیری» نماد زن پاکیزه خو و رویایی به حساب می‌آید.

۳- **نمادهای مرسوم (the conventional):** اگر «نمادهای اختصاصی یا مستور» جنبه‌ی همه‌پسند و عمومی پیدا کنند و همه‌ی مردم آن‌ها را مورد استفاده قرار دهند، به آن‌ها نمادهای «مرسوم» می‌گویند. مثلاً بلبل که نماد عاشق شیدا و دل سوخته است یا جغد که نماد شومی است یا بهار که نماد زندگی و رویش و آغازی دوباره است. در این مقاله تقسیم‌بندی ریزتری نیز، بر روی نمادهای فوق‌صورت گرفته که منجر به طراحی جدول انواع نماد (۱) شده است. این تقسیم‌بندی شامل:

۱- **نمادهای انسانی (Human symbols):** نمادهای که شخصیت‌های سازنده‌ی آن‌ها، انسان باشند. برای مثال یک شخصیت، در داستانی می‌تواند نماد تمام پدران منطقی و دلسوز باشد. پس این شخصیت، یک نماد واژه، از نوع طبیعی و انسانی است و از طرفی چون نقش مثبت را ایفا می‌کند؛ پس یک نماد واژه از نوع طبیعی و انسانی مثبت است.

۲- **نمادهای گیاهی (Vegetable symbol):** نمادهایی که شخصیت‌های سازنده‌ی آن‌ها، گیاهان باشند. برای نمونه در داستانی یک گیاه، نماد ایثار و فداکاری است. پس این گیاه، یک نماد واژه، از نوع شخصی و گیاهی (مثبت) می‌باشد.

۳- **نمادهای حیوانی (Animal symbols):** نمادهایی که شخصیت‌های سازنده‌ی آن‌ها، حیوان‌ها باشند. برای نمونه یک کلاغ در داستانی، دزد است؛ پس در این داستان کلاغ یک نماد واژه، از نوع مرسوم و حیوانی است. حتی می‌توان گفت: از آنجایی که نقش منفی دارد؛ این کلاغ یک نماد واژه از نوع مرسوم و حیوانی منفی باشد.

۴- **نمادهای مادی (Material symbols):** یک انگشتر، یا یک حلقه یا هر چیز مادی دیگر که در سه دسته‌ی بالا (انسانی، گیاهی، حیوانی) قرار نگیرد؛ و قابل دیدن و لمس باشند؛ از دسته‌ی نماد مادی می‌باشد. برای نمونه، پرچم در داستانی نماد واژه از نوع مرسوم و مادی است.

۵- **نمادهای ماورایی واقعی (Real paranormal Symbols):** ایفاکننده‌ی نقش این نمادها، وجود دارند ولی قابل دیدن و لمس پذیر نیستند. برای مثال جن، فرشته، قصه، سفر و... در این گروه قرار می‌گیرند.

۶- **نمادهای ماورایی غیر واقعی (Unreal metaphysical symbols):** اژدها، گول، دیو و... که وجود خارجی ندارند؛ در این زیرشاخه قرار می‌گیرند.

در این مقاله جستجوی نمادها برای هر اثر داستانی، از روند ذیل تبعیت می‌کند.

۱- انتخاب هفت اثر داستانی تخیلی مصور کودک و نوجوان منتشر شده در دهه‌ی هشتاد.

۲- ارائه‌ی خلاصه‌ی داستان.

- ۳- بررسی نمادهای موجود در داستان، طبق جدول (۱) طبقه بندی انواع نمادها.
 ۴- درج توضیحات اضافی و نکته‌های مفید مربوط به هر اثر داستانی.
 ۵- استخراج مفاهیم نمادین هر داستان.
 ۶- طراحی جداول جمع بندی انواع نمادها و مفاهیم نمادین اثرها.
 ۷- ارائه‌ی نمودار فراوانی انواع نمادهای بکار رفته در ۷ اثر داستانی تخیلی مصور کودک و نوجوان.
 ۸- تحلیل و بررسی داده‌ها و جداول.

جدول (۱): طبقه بندی انواع نمادها

مثبت	انسانی	طبیعی	نماد
منفی			
متغییر			
مثبت	گیاهی		
منفی			
متغییر			
مثبت	حیوانی		
منفی			
متغییر			
مثبت	مادی		
منفی			
متغییر			
مثبت	ماورایی واقعی		
منفی			
متغییر			
مثبت	ماورایی غیرواقعی		
منفی			
متغییر			
مثبت	انسانی	مرسوم	
منفی			
متغییر			
مثبت	گیاهی		
منفی			
متغییر			
مثبت	حیوانی		
منفی			
متغییر			
مثبت	مادی		
منفی			
متغییر			
مثبت	ماورایی واقعی		
منفی			
متغییر			
مثبت	ماورایی غیرواقعی		
منفی			
متغییر			
مثبت	انسانی	شخصی	
منفی			
متغییر			
مثبت	گیاهی		
منفی			
متغییر			
مثبت	حیوانی		
منفی			
متغییر			
مثبت	مادی		
منفی			
متغییر			
مثبت	ماورایی واقعی		
منفی			
متغییر			
مثبت	ماورایی غیرواقعی		
منفی			
متغییر			
		"	عبارت

در این قسمت ابتدا تعریفی کوتاه از داستان‌های تخیلی ارائه می‌دهیم.

داستان‌های تخیلی

داستان‌های تخیلی داستانی‌هایی است که در آن عنصر تخیل بسیار قوی است و حضوری بر جسته دارد. در این نوع داستان‌ها، انسان‌ها یا موجودات تخیلی، ماجراهای گوناگون باور نکردنی به وجود می‌آورند. برای نمونه در بعضی از داستان‌ها، از فالیچه یا یا تخت‌های پرنده سخن گفته شده که بیانگر آرزوی انسان برای کاستن از رنج سفر و گاهی پاسخ‌گویی به کنجکاوی است. گاه دیده شده که کودکان هنگام بازگو کردن داستانی که شنیده‌اند به دخل و تصرف در آن می‌پردازد، اگر این تخیل جهت داده شود؛ راه برای کشف استعداد کودکان است. کودکان در هنگام گوش دادن به قصه خود را در قالب قهرمان قصه قرار می‌دهند به این ترتیب حداقل تا پایان آن غرق در تخیل‌اند و قادرند فضا و عناصر قصه را در خیال خود بسازد.

داستان‌های تخیلی همیشه مورد توجه کودکان و نوجوانان هستند. این داستان‌ها باعث پرورش تخیل کودک شده و اگر متناسب با سن و روحیه او گزینش شوند، در آینده موجب پیشرفت و سازندگی اش می‌شود. قوه تخیل تاثیر رشد دهنده دارد و باعث توانمندی کودک خواهد شد. از آن جایی که، کودک توانایی کمتری برای کنترل محیط خود دارد بنابراین به دنیای تخیل روی آورده و کارهایی را که در واقعیت نمی‌تواند انجام دهد در خیال تمرین می‌کند؛ به طور مثال دشمنانش را نابود می‌کند یا ماشین مورد علاقه اش را می‌سازد و اعتماد به نفس پیدا می‌کند. تخیل کودک را به سوی تفکر انتزاعی پیش می‌برد و زبان او را توسعه می‌بخشد. در سن مدرسه او می‌تواند سمبل‌هایی مانند اعداد و علائم را بفهمد یا در نوجوانی پیوندها و اشکال مولکول‌ها را تصور کند. گفت و گو با موجودات تخیلی و قهرمانان تمرین تکلم و پیشرفت زبان است. آنها در عالم خیال و ارتباط با قهرمانان احساسات خود را تخلیه می‌کنند، البته موجودات تخیلی ترسناک در کودکان مضطرب موجب احساس ترس و دیدن کابوس می‌شود.

امروزه به دلیل تمایل زیاد کودکان به بازی‌های رایانه‌ای و ویدئویی و تماشای تلویزیون، کمتر به شنیدن و خواندن داستان تمایل نشان می‌دهند. بازی‌های رایانه‌ای، ویدئویی و تلویزیونی شخصیت‌ها، داستان‌ها و مکالمه‌های آماده را به کودکان تزریق می‌کند و کودکان را به گونه‌ای کاملاً منفعل تحت تاثیر قرار می‌دهند. این از نگرانی‌های عصر مدرن است که باعث تضعیف رشد تخیل فعال و زبان کودکان می‌شود.

در این قسمت به بررسی این ۷ اثر می‌پردازیم.

۱: چاه پر خطر

www.anjomanfarsi.ir

خلاصه‌ی داستان	۱
مرد مسافری، از شتری رم کرده، به چاهی تاریک پناه می‌برد. شاخه درختی که در آن چاه آویزان بود را گرفته و پاهایش بر روی چیزی قرار گرفتند. منتظر ماند تا شتر دور شود. ناگهان دید که پاهایش روی سر تعدادی مار قرار دارند و به ته چاه که نگاه کرد. اژدهای ترسناکی را دید که دهان گشاده، تا او را ببلعد. به بالای سر خود نگاه کرد دو موش سیاه و سفید را دید که مشغول جویدن شاخه‌ی درختی هستند که در دست اوست. در همان زمان چشمش به کندوی عسلی می‌افتد و مشغول خوردن می‌شود و سرانجام همه‌ی خطرها را فراموش، و در چاه سقوط می‌کند.	
شخصیت اصلی	۲-۱ مرد مسافر
شخصیت فرعی	۱- شتر رم کرده ۲- دو موش سیاه و سفید ۳- اژدها ۴- تعدادی مار
نماد واژه ای	۴ اژدها
نماد واژه‌ای و مفهوم آن	۵
اژدها نماد فرشته‌ی مرگ و اجل آدمی است که هر لحظه آماده است تا آدمی را در کام فنا و نیستی بکشاند.	

۶	نوع نماد واژه‌ای (طبیعی-شخصی-مرسوم): ازدها - نماد مرسوم
۷	نماد عبارت و مفهوم آن ۱- مرد مسافر نماد هر انسانی که علازم میلش، پا به این دنیا می‌گذارد و در معرض خطرهای زیادی است و به فکر عاقبت و آینده‌ی خود نیست. ۲- چاه تاریک نماد دنیا است ۳- تعدادی مار نماد طبایع آدمی است. (چهار خلط که بدن از آن تشکیل شده خون، بلغم، سودا و صفرا که به نسبت متعادل در بدن قرار دارند و اگر اعتدال هر یک از آنها بهم خورد؛ مرگ و نیستی را در بر دارد). ۴- دو موش سیاه و سفید نماد شب و روز ۵- کندوی عسل نماد شیرینی‌های زندگی و لهُو و لعب‌های دنیوی است که آدمی به آن مشغول شده و از اجل منتظر و در کمین نشسته، غافل می‌ماند.
۸	نوع نماد عبارت ۱- مرد مسافر- نماد مرسوم؛ ۲- چاه تاریک - نماد مرسوم؛ ۳- تعدادی مار - نماد شخصی؛ ۴- دو موش سیاه و سفید - نماد شخصی؛ ۵- کندوی عسل - نماد مرسوم
۹	نماد انسانی (مثبت) -
۱۰	نماد انسانی (منفی) - مرد مسافر
۱۱	نماد انسانی (متغیر)؛ ۱۲- نماد گیاهی (مثبت)؛ ۱۳- نماد گیاهی (منفی)؛ ۱۴- نماد گیاهی (متغیر)؛ ۱۵- نماد حیوانی (مثبت): ندارد
۱۶	نماد حیوانی (منفی) - ۱- تعدادی مار ۲- دو موش سیاه و سفید
۱۷	نماد حیوانی (متغیر) -
۱۸	نماد مادی (مثبت) -
۱۹	نماد مادی (منفی) - ۱- کندوی عسل ۲- چاه تاریک
۲۰	نماد ماورایی واقعی (مثبت)؛ ۲۱- نماد ماورایی واقعی (منفی)؛ ۲۲- نماد ماورایی غیر واقعی (مثبت): ندارد
۲۳	نماد ماورایی غیر واقعی (منفی) ازدها
۲۴	توضیحات بیشتر منبع اصلی این داستان کلیله و دمنه، مترجم، ابوالعالی نصرالله منشی، باب برزویه طیب است.

۲: گربه‌ی چکمه پوش www.anjomanfarsi.com

۱	خلاصه‌ی داستان میلرز، کوچکترین پسر خانواده بود. با مرگ پدر میلرز، بزرگترین برادر آسیاب پدر و دومین پسر، خر فامیل و میلرز گربه‌ای را به ارث می‌برند. میلرز ناامید می‌شود. در همین زمان گربه با میلرز صحبت کرده و به میلرز می‌گوید: "اگر به من اطمینان کنی و یک لباس مناسب و یک جفت چکمه بپوشانی، تو را خوشبخت می‌کنم. گربه با طراحی نقشه‌ای ماهرانه و با گول زدن گول، میلرز را صاحب قصری بزرگ کرده و سرانجام میلرز با دختر پادشاه آن سرزمین ازدواج می‌کند و خوشبختی را در آغوش می‌گیرد.
۲	شخصیت اصلی گربه‌ی چکمه پوش
۳	شخصیت فرعی ۱- میلرز ۲- گول ۳- پادشاه
۴	نماد واژه‌ای ۱- گربه‌ی چکمه پوش ۲- میلرز ۳- گول ۴- پادشاه
۵	نماد واژه‌ای و مفهوم آن ۱- گربه‌ی چکمه پوش نماد هوش، زیرکی، وفای به عهد. گربه ترتیبی می‌دهد تا میلرز با پادشاه ملاقات کند. گربه با نقشه‌ای ماهرانه، گول را فریب داده و قصر با شکوه گول را صاحب شده و به میلرز می‌دهد.

<p>۲- میلرز نماد اعتماد و اطمینان. «میلرز بدون لحظه‌ای تأمل به حیوان اطمینان کرد و دستورات او را مو به مو به اجرا گذاشت.» (مهجور، ۱۳۸۲: ۴) ۳- گول نماد بی‌خردی. گره‌ی چکمه پوش، به گول می‌گوید: «مردم می‌گویند شما قادرید خود را به صورت موجود بسیار کوچکی در آورید. البته من کلمه‌ای از این حرف‌ها را قبول ندارم! گول خودخواه فوری خود را به صورت موش کوچکی در آورد و گره‌ی بدون معطلی چنگ انداخت و او را گرفت.» (همان، ۶) ۴- پادشاه نماد طمع و انسان‌هایی است که به قول این مثل «عقلشان به چشمشان است.» گره‌ی چکمه‌پوش میلرز را به عنوان یک شاهزاده به پادشاه معرفی کرد و گفت: این قصر و تمام سرزمین‌هایی که تا کنون از آن عبور کردیم متعلق به ارباب من شاهزاده میلرز است. «وقتی پادشاه و شاهزاده وارد قصر مجلل گول شدند، از دیدن قصر حیرت کردند. پادشاه در این اندیشه فرو رفت که این جوان ثروتمند در واقع تمامی خصوصیات یک شوهر خوب را دارد، بهتر است دخترم را به عقد او در آورم...» (همان، ۸)</p>	
۶	<p>نوع نماد واژه‌ای (طبیعی-شخصی-مرسوم) ۱- گره‌ی چکمه پوش - نماد شخصی ۲- میلرز - نماد شخصی ۳- پادشاه - نماد مرسوم ۴- گول - نماد طبیعی</p>
۷- نماد عبارت و مفهوم آن؛ ۸- نوع نماد عبارت: ندارد	
۹	نماد انسانی (مثبت) میلرز
۱۰	نماد انسانی (منفی) پادشاه
۱۱- نماد انسانی (متغییر)؛ ۱۲- نمادهای گیاهی (مثبت)؛ ۱۳- نماد گیاهی (منفی)؛ ۱۴- نماد گیاهی (متغییر): ندارد	
۱۵	نماد حیوانی (مثبت) گره‌ی چکمه پوش
۱۶- نماد حیوانی (منفی)؛ ۱۷- نماد حیوانی (متغییر)؛ ۱۸- نماد مادی (مثبت)؛ ۱۹- نماد مادی (منفی)؛ ۲۰- نماد ماورایی واقعی (مثبت)؛ ۲۱- نماد ماورایی واقعی (منفی)؛ ۲۲- نماد ماورایی غیر واقعی (مثبت): ندارد	
۲۳	نماد ماورایی غیر واقعی (منفی) گول
۲۴	<p>توضیحات بیشتر این داستان نماد هوشیاری و زیرکی است. و پیام دیگر این داستان، این مثل معروف فارسی است. «در ناامیدی بسی، امید است. پایان شب سیه، سپید است.» میلرز ناامید، با اعتماد و اطمینان به گره‌ی توانست خوشبخت شود.</p>

۳. حسنی و اژدهای هفت سر

۱	خلاصه‌ی داستان به دهکده‌ی حسنی اژدهای هفت سری آمده؛ که همه‌ی مردم از این اژدها می‌ترسند. حسنی شجاع‌قصد، تصمیم می‌گیرد به تنهایی با اژدها بجنگد؛ اما شکست می‌خورد. در نهایت با مردم شهر صحبت می‌کند و همگی با اتحاد و یکپارچگی، سنگی را بر در غار محل زندگی اژدها می‌گذارند و اژدها را به اسارت در می‌آورند.
۲	شخصیت اصلی حسنی
۳	شخصیت فرعی ۱- اژدهای هفت سر ۲- مردم شهر
۴	نماد واژه‌ای ۱- حسنی
۵	نماد واژه‌ای و مفهوم آن حسنی نماد پسر شجاع و متفکر ایرانی که بعد از تجربه کردن دو شکست و ناامید نشدن، راه حلی مفید و کارساز برای شکست اژدها پیدا می‌کند.

۶	نوع نماد واژه‌ای (طبیعی-شخصی-مرسوم): ۱- حسنی - نماد مرسوم
۷	<p>نمادعبارت و مفهوم آن</p> <p>۱- اژدهای هفت سر نماد شر و بدی پرداختی مختصر به نماد عدد و به ویژه عدد هفت.</p> <p>در آغاز عدد به صورت محدود وجود داشت. حتی عدد را تا ۲ بیشتر نمی‌توانستند بشمارند. برای عدد، مرزی داشتند. برای نمونه زمانی در بسیاری مناطق، مرز شمارش عدد ۶ بود. آنها تا ۶ می‌شمرده و پس از آن را می‌گفتند: «بسیار». هنوز هم در بسیاری زبان‌ها هفت به معنی بسیار است. در زبان فارسی ضرب المثلی هست که می‌گوید: «هفت بار گز کن، یک بار پاره کن» در این مثل، منظور دقیقاً هفت بار عمل کردن نیست؛ بلکه منظور این است که پس از عمل «بسیار» نتیجه بگیر. در زبان روسی نیز ضرب المثلی هست به این مفهوم که «هفت نفر منتظر یک نفر نمی‌مانند» که باز هم منظور این است که تعداد زیادی منتظر یک نفر نمی‌مانند. همچنین در داستانها، هفت دریا، هفت سرزمین، هفت آسمان و ... همگی به معنای بسیار به کار رفته اند.</p> <p>هفت در ادبیات</p> <p>عدد هفت در ادبیات فارسی نیز از اهمیت و جایگاهی خاص برخوردار است. کمترین تعداد ابیات یک غزل هفت بیت است. کتب ایرانی و خارجی بسیاری نیز بر مبنای عدد هفت شکل گرفته است: هفت رکن خرد اثر توماس ادوارد لارونس، هفت داستان آنتوان چخوف، هفت کاخ اهریمن اثر دنه ری و کلرویل و ...</p> <p>منطق الطیر عطار نیشابوری (هفت وادی سلوک را بیان می‌کند). هفت اقلیم احمد امین رازی (در باب اقالیم سبعة و شرح مشایخ و شعرا و علما و پادشاهان است). هفت حصار خواجه عبدالله انصاری (از رسائل وی می‌باشد). هفت بند محتشم کاشانی (در رثای شهدای کربلا است). مجالس سبعة مولوی (مشمول بر هفت مجلس و نمودار افکار وی قبل از آشنایی با شمس است). هفت سال زندان محمدرضا ابن شیخ رضانعلی خلیلی عراقی (شرح حال یوسف و زلیخا میباشد). هفت دکان نورالدین شاه نعمت الله ولی کرمانی (در علم اکسیر است). هفت هات دکتر محمد جعفری (دربرگیرنده سروده‌های زرتشت میباشد). نظامی در منظومه خسرو و شیرین به هفت گنج خسرو اشاره میکند. هفت گنج خسرو پرویز نام داستانی است از جمله ۳۶۰ داستان باربد که در فرهنگ‌های فارسی ذکر شده و نظامی نیز آنرا در وصف ثروت خسرو پرویز به نظم درآورده است. این هفت گنج عبارتند از: گنج عروس، گنج بادآورده، گنج افراسیاب، گنج سوخته، گنج خضرا، گنج شادآورده، گنج بارتیف نظامی در اقبال نامه از خلوت اسکندر با هفت حکیم صحبت کرده و این هفت حکیم را این چنین نام می‌برد: ارسطو، والیس، بلیناس، سقراط، فروریوس، هرمس و افلاطون. هفت پیکر نظامی در بخشهای مختلف به عدد هفت اشاره دارد که از آنها می‌توان به هفت پیکر، هفت اقلیم، هفت رنگ، هفت روز هفته، هفت گنبد، هفت سیاره و هفت مظلوم اشاره نمود. هفت پیکر: نام منظومه‌ای است از نظامی و چهارمین مثنوی وی از خمسه می باشد. در این منظومه داستان بهرام پنجم ساسانی شرح داده شده است. هفت پیکر، هفت تصویر شاهزادگانی است که بهرام بر دیواره خورنق آنها را مشاهده کرده و دلباخته آنان شد. هفت گنبد: به معنی اول هفت کره است که هفت آسمان میباشد و هفت گنبد (کاخ) بهرام گور را هم می‌گویند که به هفت دلیل شهرت دارد: دارای هفت ستون است، هفت گنبد دارد، هر گنبد دارای رنگی جداگانه است در نتیجه هفت رنگ دارد، بر هفت روز هفته دلالت دارد، هفت سیاره بر آن منطبق است، هفت شاهزاده از هفت اقلیم را در خود جای داده است. هفت رنگ، هفت روز هفته، هفت سیاره: رنگ سیاه، روز شنبه، سیاره کیوان یا زحل رنگ زرد، روز یکشنبه، سیاره خورشید رنگ سبز، روز دوشنبه، سیاره ماه رنگ سرخ، روز سه شنبه، سیاره مریخ رنگ فیروزه‌ای، روز چهارشنبه، سیاره عطارد یا تیر رنگ صندل گون، روز پنج شنبه، سیاره مشتری رنگ سپید، روز آدینه، سیاره ناهید یا زهره هفت داستان هفت پیکر: بهرام پس از ازدواج با هفت شاهزاده از هفت اقلیم از هر کدام از آنها در شی جداگانه دیدن نموده و یک داستان طلب میکند. در نتیجه در این منظومه هفت داستان از زبان شاهزادگان بیان می‌گردد. هفت مظلوم: نظامی در هنگام لشکر کشیدن مجدد خاقان چین به ایران در اثر داستان یک شبان به خیانت وزیر خود پی می‌برد و وزیر را بازخواست نموده و از مردم می‌خواهد تا هر کس شکایتی از وی دارد به پیش او بیاید. هفت ستم دیده نزد شاه رفته و دادخواهی می‌کنند. (زنجانی، ۱۳۸۰: ۵-۱۸۲) در شاهنامه فردوسی نیز بارها عدد</p>

<p>هفت مورد توجه قرار گرفته است: هفت پهلوان: در شاهنامه هفت پهلوان با شخصیت‌های مختلف برگزیده شده‌اند: ضحاک (پادشاه بد)، فریدون (پادشاه خوب)، سیاوش (شاهزاده‌ای نیکوکار)، فرود (شاهزاده ناکام)، پیران (سردار بزرگ تورانی)، رستم (پهلوان بزرگ ایرانی)، بهرام چوبین (پهلوانی دیگر از ایران زمین) هفت واد: نام مردی در شاهنامه که دارای هفت پسر بود و با اردشیر جنگ کرد. او را هفت بخت هم گفته‌اند. هفت دیوار: سیاوش شهر «گنگ دژ» یا «سیاوش گرد» را بنا می‌کند که دارای هفت دیوار است: زرین، سیمین، پولادین، برنجین، آهنین، بگنین، کاسگین. جنگ هفت گردان: ماجرای جنگ هفت گردان این است که رستم به همراه هفت تن از پهلوانان ایران از مرز می‌گذرد و به شکارگاه افراسیاب می‌رود. یک هفته در آنجا به شکار می‌پردازد، افراسیاب آگاه می‌شود و به جنگ آنها می‌رود. سرانجام ایرانیان فاتح باز می‌گردند. هفت خان رستم: هفت موضع یا مرحله بین ایران و توران بود که رستم و اسفندیار در آن مناطق به خطرهای بزرگ دچار شدند. ترکیبات عدد هفت مانند هفت فلک، هفت گردون، هفت گنبد خضرا، هفت بنا، هفت پرگار، هفت بام، هفت اورنگ، هفت طبقه زمین، هفت الوان، هفت خم، هفت دایره، هفت اژدها و ... نیز در ادبیات رواج بسیار دارد.</p> <p>۲- اتحاد و یکپارچگی نماد شکست اژدهای هفت سر و هر گونه بدی است.</p>	<p>۸ نوع نماد عبارت</p> <p>۱- اژدهای هفت سر - نماد طبیعی؛ ۲- اتحاد و یکپارچگی - نماد طبیعی</p>
<p>۹ نماد انسانی (مثبت)</p> <p>حسنى</p>	<p>۱۰- نماد انسانی (منفی)؛ ۱۱- نماد انسانی (متغیر)؛ ۱۲- نمادهای گیاهی (مثبت)؛ ۱۳- نماد گیاهی (منفی)؛ ۱۴- نماد گیاهی (متغیر)؛ ۱۵- نماد حیوانی (مثبت)؛ ۱۶- نماد حیوانی (منفی)؛ ۱۷- نماد حیوانی (متغیر)؛ ۱۸- نماد مادی (مثبت)؛ ۱۹- نماد مادی (منفی): ندارد</p>
<p>۲۰ نماد ماورایی واقعی (مثبت)</p> <p>اتحاد و یکپارچگی</p>	<p>۲۱- نماد ماورایی واقعی (منفی)؛ ۲۲- نماد ماورایی غیر واقعی (مثبت): ندارد</p>
<p>۲۳ نماد ماورایی غیر واقعی (منفی)</p> <p>اژدهای هفت سر</p>	<p>۲۴ توضیحات بیشتر</p> <p>این داستان تخیلی جهت نمادینه کردن این مفهوم در ذهن کودکان ایرانی سروده شده است که قهرمان طلبی و یکه تازی به شکست منجر می‌شود و پیروزی، در اتحاد و هم بستگی است.</p>

۴: خرس کوچولوهای بازیگوش

<p>خلاصه‌ی داستان</p> <p>در شهر خرس ها، در یک خانه‌ی درختی زیبا خواهر و برادر خرسی همراه پدر و مادرشان با خوشحالی زندگی می‌کردند. در یک روز ابری، خواهر و برادر خرسی دیر از خواب بیدار شدند و خواهر خرسی بدون اینکه متوجه شود؛ کارهایی انجام داد که باعث ناراحتی برادرش شد. کارهایی که دعوای آنها را دامن زد. در این زمان، آسمان ابری، بارید. در آخر داستان با دخالت پدر و مادر خرسی، خواهر و برادر متوجه می‌شوند که دلیل اولیه دعوایشان چیست؟ سرانجام با هم آشتی کرده و بعد از آن به خوبی و خوشی در کنار هم زندگی کردند. طبیعت نیز با آنها هم داستان شد، ابرها به کنار رفتند و خورشید بیرون آمد و رنگین کمان زیبایی در آسمان بوجود آمد.</p>	<p>۲ شخصیت اصلی</p> <p>۱- خواهر خرسی ۲- برادر خرسی</p>
<p>۳ شخصیت فرعی</p> <p>۱- مادر خرسی ۲- پدر خرسی</p>	<p>۴ نماد واژه‌ای</p> <p>۱- خواهر خرسی ۲- برادر خرسی ۳- مادر خرسی ۴- پدر خرسی ۵- رنگین کمان</p>
<p>۵ نماد واژه‌ای و مفهوم آن</p> <p>۱- خواهر خرسی نماد تمام خواهرانی که به دلایل واهی با برادرشان دعوا می‌کنند و سر لج بازی را پیش می‌گیرند.</p>	

	<p>۲- برادر خرسی نماد تمام برادرانی که بدون دلیل با خواهرشان دعوا می‌کنند و داد و فریاد راه می‌اندازند. ۳- مادر خرسی نماد مادری با فکر و اندیشه که فرزندانش را هدایت و نصیحت می‌کند و به خوبی از عهده‌ی حل مشکلات بر می‌آید. او دلسوز و باتجربه است و نسبت به فرزندانش عشق می‌ورزد. ۴- پدر خرسی نماد پدری که از دعوای فرزندانش ناراحت و عصبانی می‌شود و با فریادهای بلند از فرزندان می‌خواهد تا دعوایشان را تمام کنند. ۶- رنگین کمان نماد صلح و دوستی بعد از آشوب و غوغا</p>	
۶	<p>نوع نماد واژه ای (طبیعی-شخصی- مرسوم) ۱- خواهر خرسی - نماد شخصی ۲- برادر خرسی - نماد شخصی ۳- مادر خرسی - نماد شخصی ۴- پدر خرسی - نماد شخصی ۵- رنگین کمان - نماد طبیعی</p>	
۷	<p>نماد عبارت و مفهوم آن ۱- «هوای ابری» و به دنبال آن «دیر بلند شدن خرس‌ها از خواب» نماد دل‌تنگی و دلگیری آسمان که اغلب نویسندگان این دل‌تنگی‌ها را با احساسات شخصیت‌های داستانی در رابطه‌ی مستقیم قرار می‌دهند و عوامل طبیعی شخصیت می‌دهند. در ادبیات به این آرایه، شخصیت بخشی گویند. «اما در یک روز که هوا ابری بود، خواهر و برادر خیلی بی حوصله از خواب بیدار شدند شاید بی حوصله گی آنها به خاطر این بود که دیر از خواب بیدار شده بودند.» (نیک آیین، ۱۳۸۸: ۴) «هوای ابری» نماد توافق طبیعت و همراهی آن «با ناراحتی موجودات است. چون خرس‌ها بی حوصله بودند؛ پس هوای بیرون ابری بود یا شاید بالعکس. چون هوای بیرون ابری بود؛ خرس‌ها دیر از خواب بیدار شده و بی حوصله بودند و همین امر باعث دعوای‌شان شد. به هر حال به نظر می‌رسد نویسنده می‌خواهد بین عوامل طبیعی مثل خورشید، باران، رنگین کمان با دلایل خوشحالی یا ناراحتی موجودات رابطه‌ی مستقیم برقرار کند. «دیر بلند شدن» نماد بی حوصلگی شخصیت‌های داستان است. ۲- «بارش شدید باران» و به دنبال آن بعد از تمام شدن باران شدید «در آمدن خورشید» - نماد غوغا و آشوب و به دنبال آن صلح و دوستی. «بابا خرسی گفت: " نگاه کنید، بارش باران تمام شده و خورشید بیرون آمده و رنگین کمان زیبا در آسمان درست شده." مادر خرسی به بچه‌ها نگاه کرد و گفت: " رنگین کمان معمولا بعد از یک باران شدید در آسمان نقش می‌بندد." (همان، ۱۱) بارش تمام شده، خورشید بیرون آمده نماد برقراری صلح و آشتی بعد از ابری بودن و بارانی شدن هوا. «باران شدید» نماد دعوا، آشوب و ناراحتی. معمولا باران نماد گریه‌ی آرام ولی اگر «باران شدید» گفته شود گریه و فغان و داد و بیداد است.</p>	
۸	<p>نوع نماد عبارت ۱- «هوای ابری» - نماد طبیعی؛ ۲- «دیر بلند شدن بچه‌ها» - نماد شخصی؛ ۳- «بیرون آمدن خورشید» - نماد طبیعی؛ ۴- «باران شدید» - نماد طبیعی</p>	
۹	<p>نماد انسانی (مثبت)؛ ۱۰- نماد انسانی (منفی)؛ ۱۱- نماد انسانی (متغیر)؛ ۱۲- نمادهای گیاهی (مثبت)؛ ۱۳- نماد گیاهی (منفی)؛ ۱۴- نماد گیاهی (متغیر)؛ ندارد</p>	
۱۵	<p>نماد حیوانی (مثبت)</p>	۱- مادر خرسی ۲- پدر خرسی
۱۶	<p>نماد حیوانی (منفی)</p>	-
۱۷	<p>نماد حیوانی (متغیر)</p>	۱- خواهر خرسی ۲- برادر خرسی
۱۸	<p>نماد مادی (مثبت)</p>	۱- رنگین کمان ۲- در آمدن خورشید
۱۹	<p>نماد مادی (منفی)</p>	۱- باران شدید ۲- هوای ابری
۲۰	<p>نماد ماورایی واقعی (مثبت)</p>	-
۲۱	<p>نماد ماورایی واقعی (منفی)</p>	دیر بلند شدن خرس‌ها از خواب

۲۲- نماد ماورایی غیر واقعی (مثبت): ۲۳- نماد ماورایی غیر واقعی (منفی): ندارد	
۲۴	توضیحات بیشتر در این داستان باز روابط منطقی و خارج از احساسات شدید وجود دارد و می‌خواهد به کودکان بفهماند، همچنان که بعضی دعوای بزرگ ترها بی دلیل بوجود می‌آید، دعوای کوچک ترها نیز بی دلیل آغاز و ادامه می‌یابد. باید با یکدیگر دوست و مهربان بود و به خاطر اشتباهات کوچک و ناخواسته همدیگر را بخشید تا طبیعت نیز با ما هم نوا و هماهنگ باشد یا به عبارتی «بخند تا دنیا به تو بخندد.» همچنین در این داستان تعامل نزدیک طبیعت و شخصیت‌های داستانی به خوبی بصورت نمادهای صحنه‌ای نشان داده شده است. هوای ابری نماد دلتنگی، باران شدید نماد گریه و آشوب و غوغا و... هم زمان با واکنش‌های شخصیت داستان رخ می‌دهند.

۵: سارا و دارا دوست مریم کوچولو

۱	خلاصه‌ی داستان مریم کوچولو دختر مهربان و خوش اخلاقی است. او در کارهای خانه و همچنین نگهداری برادر کوچکترش به مادر کمک می‌کند. پدر و مادر سارا برایش جایزه می‌خرند. این جایزه عروسک‌های دارا و سارا هستند که می‌تواند با سارا حرف بزند و مریم را متوجه اشتباهاتی که به طور ناخواسته انجام داده است؛ می‌کند.
۲	شخصیت اصلی مریم
۳	شخصیت فرعی ۱- عروسک سارا ۲- عروسک دارا ۳- پدر مریم ۴- مادر مریم
۴	نماد واژه ای ۱- مریم کوچونو ۲- عروسک سارا ۳- عروسک دارا
۵	نماد واژه‌ای و مفهوم آن ۱- مریم کوچولو نماد تمام دختر و پسرهای خوب ایرانی که گاهی اوقات ناخواسته اشتباهاتی را در اثر بی دقتی انجام می‌دهند. ۲- عروسک سارا نماد یک الگوی دختر اصیل و تابع سنت‌های ایرانی ۳- عروسک دارا نماد یک الگوی پسر اصیل و تابع سنت‌های ایرانی
۶	نوع نماد واژه ای (طبیعی-شخصی- مرسوم) ۱- مریم کوچولو- نماد شخصی ۲- عروسک سارا- نماد مرسوم ۳- عروسک دارا- نماد مرسوم
۷	نماد عبارت و مفهوم آن «مریم از اتاقش بیرون آمد. در اتاقش را محکم بست» (آزادی، ۱۳۸۶: ۶) محکم بستن در اتاق توسط مریم باعث بیدار شدن برادر کوچولوی مریم می‌شود. بدون اینکه مریم متوجه این عمل شود. نویسنده با شخصیت بخشی به عروسک‌های سارا و دارا، باعث می‌شود که مریم در کارهایش دقت بیشتری داشته باشد. زیرا سارا و دارا با مریم کوچولو صحبت می‌کنند و او را متوجه اشتباهش می‌کنند. محکم بستن اتاق نماد تمام کارهای اشتباهی که ناخواسته کودکان خوب ایرانی انجام می‌دهند و باعث ناراحتی دیگران می‌شوند.
۸	نوع نماد عبارت در اتاق را محکم بست - نماد شخصی
۹	نماد انسانی (مثبت) مریم کوچولو
۱۰	۱- نماد انسانی (منفی)؛ ۱۱- نماد انسانی (متغیر)؛ ۱۲- نمادهای گیاهی (مثبت)؛ ۱۳- نماد گیاهی (منفی)؛ ۱۴- نماد گیاهی (متغیر)؛ ۱۵- نماد حیوانی (مثبت)؛ ۱۶- نماد حیوانی (منفی)؛ ۱۷- نماد حیوانی (متغیر)؛ ۱۸- نماد مادی (مثبت)؛ ۱۹- نماد مادی (منفی)؛ ۲۰- نماد ماورایی واقعی (مثبت)؛ ۲۱- نماد ماورایی واقعی (منفی): ندارد
۲۲	نماد ماورایی غیر واقعی (مثبت) ۱- عروسک سارا ۲- عروسک دارا
۲۳	نماد ماورایی غیر واقعی (منفی) -
۲۴	توضیحات بیشتر هدف از بیان این داستان با نمادهای سارا، دارا و مریم کوچولو، متوجه کردن تمام کودکان ایرانی به اشتباهات ناخواسته و دقت بیشتر در کارهایی که انجام می‌دهند؛ می‌باشد.

۶: شبیم فداکار

۱	<p>خلاصه‌ی داستان</p> <p>جوانه‌ی کوچکی در میان جنگلی با درختان تنومند و سر به فلک کشیده، از خاک سر بیرون می‌آورد و امیدوار است مانند یکی از درختان تنومند آن جنگل شود. اما بعد از سه روز، تشنگی امان او را می‌برد و در اثر نرسیدن نور خورشید، زرد می‌گردد. در این هنگام شبیمی بر روی برگ‌های جوانه می‌افتد و می‌گوید: "اگر مرا تا صبح، یعنی زمانی که گرمای خورشید باعث بخار شدن من شود، تحمل کنی؛ از تو سپاس گزارم. جوانه علازغم خستگی، تشنگی و زردی، شبیم را تحمل کرد و هنگام صبح از حال می‌رود. جوانه اکنون به درخت تنومندی تبدیل شده و مواظب جوانه‌های تازه سر از خاک بیرون آمده، نیز می‌باشد. او فهمیده است که شبیم خودش را فدای او کرده؛ صبح گاه آن روز بخار شده و به خورشید گفته تا از لابه لای شاخه‌های درختان تنومند بر جوانه بتابد و به باد گفته با وزش خود و جابجایی برگ درختان، شبیم‌های زیادی را به جوانه برساند و او اولین شبیمی بود که خودش را به جوانه رسانده و او را سیراب کرده است.</p>
۲	<p>شخصیت اصلی</p> <p>۱- جوانه‌ی تازه روئیده ۲- شبیم فداکار</p>
۳	<p>شخصیت فرعی</p> <p>۱- خورشید ۲- باد ۳- دیگر قطرات شبیم ۴- درختان تنومند جنگل</p>
۴	<p>نماد واژه‌ای</p> <p>۱- خورشید ۲- باد</p>
۵	<p>نماد واژه‌ای و مفهوم آن</p> <p>۱- خورشید نماد بخشش بر همگان است. ۲- باد نماد سرازیر شدن بخشش هاست. تا که شاخ افشان کند هر لحظه باد بر سر خفته بریزد نقل و زاد (مولوی) (زمانی، ۱۳۸۲: ۳۲۶، ۱)</p>
۶	<p>نوع نماد واژه‌ای</p> <p>(طبیعی-شخصی-مرسوم)</p> <p>۳- خورشید - نماد طبیعی ۴- باد - نماد طبیعی</p>
۷	<p>نماد عبارت و مفهوم آن</p> <p>۱- جوانه‌ی تازه روئیده نماد تمام موجوداتی که در پی کمال، رشد و بلندی هستند. « جوانه تازه روئیده در میان آن همه درخت به شگفت آمده بود و پیش خود فکری کرد که آیا او نیز روزی به بلندی آن درختان خواهد رسید. » (جعفری، ۱۳۹۰: ۳) این جوانه‌ی تازه روئیده نماد آرزوی عروج و کمال است. هر موجود حتی گیاه، به نحوی و به شکلی این آرزوی کمال نمود پیدا می‌کند. ۲- شبیم فداکار نماد طالب بلندی و کمال توام با ایثار و پاکی است. « شبیم دلش به حال جوانه نو رسیده سوخت تصمیم گرفت برای او کاری بکند تا به آرزویش که رسیدن به آسمان است برسد. » (همان، ۶) شبیم فداکار نماد راهنمای دلسوز، عارف راه حقیقت، می‌تواند باشد. عارف کمالجویی که با ایثار جان خودش مایه‌ی نجات دیگران می‌شود. در عرفان فرقه‌ای داریم به نام نوریه که حقیقت مسلک آن‌ها بر ایثار و گذشت است و تولای نوریان به ابی الحسن احمد بن محمد النوری می‌باشد و آیه‌ی « وَ يُؤْتِرُونَ عَلٰی اَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ، وَ اَنَانَ اِثَارَ مِیْ کَنَد و ترجیح میدهند دیگران را بر خودشان، گرچه خود آنها محتاج باشند. » چراغ راهنمای آن‌هاست. (عابدی، ۱۳۸۵: ۱۲۷-۱۲۸) ۳- سایر قطرات شبیم ایثارگران و پیروان راهنمای خود یعنی شبیم فداکار. ۴- درختان تنومند نماد قدرت، دیکتاتوری، خودخواهی و خودشیفتگی که جز خود کسی را نمی‌بینند و فقط به فکر منافع خود هستند. ۵- «شاخه‌های خود را به آسمان بلند کرده بودند» نماد شکرگزاری همه‌ی موجودات به پاس نعمت‌های بی‌شمار الهی. در این جا اشاره به این آیه شریفه‌ی قرآن کریم. « یُسَبِّحُ لِلّٰهِ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَمَا فِی الْاَرْضِ لَهٗ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَ هُوَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ؛ هر چه در آسمانها و هر چه در زمین است خدا را تسبیح می‌گویند. او</p>

<p>راست فرمانروایی و او راست سپاس و او بر هر چیزی تواناست.» (۱/تغابن)</p> <p>« در میان یک جنگل انبوه درختان زیادی دور هم جمع بودند و با خوبی و خوشی زندگی می‌کردند. آنها شاخه‌های شان را به آسمان دراز کرده و بخاطر این همه نعمتی که خداوند بدون منت به آنها داده بود از اینکه باران را برای آنها می‌فرستد و خورشید هر روزی انرژی به آنها می‌دهد او را سپاس می‌گفتند.» (جعفری، ۱۳۹۰: ۲)</p> <p>۶- «فرو رفتن در زمین» نماد فنا و نیستی. شب‌نم به جوانه‌ی خسته و زرد شده گفت: « لطفاً مرا تحمل کن و نگذار روی زمین بیفتم اگر افتادم، در زمین فرو می‌روم و دیگر نمی‌توانم به آسمان برگردم.» (همان، ۵)</p> <p>۷- «به آسمان رفتن» نماد کمال و بلندی .</p> <p>۸- «از آسمان برایم بگو» نماد کنجکاوای موجودات در مورد منزل گاهای کمال و شوق دیدن آن‌ها. می‌خوانیم: « راستی مرا ببخش که خودم را معرفی نکردم من شب‌نم هستم این حرف شب‌نم شوقی را در دل جوانه به وجود آورد انگار دوباره جان تازه‌ای گرفته باشد رو به شب‌نم کرد و گفت: آسمان خیلی زیباست از آنجا برایم بگو.» (همان، ۶)</p> <p>۹- «بخار شدن، ابر شدن، باران و برف شدن» همگی نماد علمی چرخه‌ی آب در طبیعت است. وصف آسمان از نقطه نظر شب‌نم: « شب‌نم خندید و گفت: آسمان خیلی بزرگ است پر از ابر است و در ابرها دوستانم که مثل من هستند زندگی می‌کنند ما گاهی به صورت باران و گاهی به صورت برف به زمین می‌آیم. البته بعضی از ما تا اوج آسمان می‌رویم البته سوار بر باد و بعضی تا نزدیکی زمین هستیم. وقتی آفتاب به زمین بتابد ما دوباره بخار می‌شویم و به آسمان می‌رویم.» (همان، ۷)</p> <p>۱۰- «درختان بزرگ و در هم پیچیده» نماد آن است که موانع رشد و کمال، بزرگ و درهم پیچیده و رهایی از آن‌ها و عبور از میان شان کاری بس سخت و دشوار است. «جوانه گفت: خوش به حالت چقدر دوست دارم من هم آسمان را ببینم اما این درختان بزرگ و درهم پیچیده نمی‌گذارند.» (همان، ۷)</p> <p>۱۱- «روزی بزرگ خواهی شد ... فقط کمی صبر کن» نماد این سخن گهر بار امام علی(ع): «الصبر مفتاح الفرج؛ صبر کلید گشایش و فرج است.» «شب‌نم گفت: ناراحت نباش تو نیز روزی بزرگ خواهی شد و سر از آسمان در خواهی آورد، اما باید کمی صبر کنی.» (همان، ۸)</p>	
<p>نوع نماد عبارت</p> <p>۸</p> <p>۱- «جوانه‌ی تازه روییده» - نماد شخصی؛ ۲- «شب‌نم فداکار» - نماد شخصی؛ ۳- «سایر قطرات شب‌نم» - نماد شخصی؛ ۴- «درختان تنومند» - نماد شخصی؛ ۵- «شاخه‌های خود را به آسمان بلند کرده بودند» - نماد شخصی؛ ۶- «فرو رفتن در زمین» - نماد طبیعی؛ ۷- «به آسمان رفتن» - نماد طبیعی؛ ۸- «از آسمان برایم بگو» - نماد شخصی</p> <p>۹- «بخار شدن، ابر شدن، باران و برف شدن» - نماد مرسوم</p> <p>۱۰- «درختان بزرگ و در هم پیچیده» - نماد شخصی</p> <p>۱۱- «روزی بزرگ خواهی شد» - نماد مرسوم</p>	
<p>۹- نماد انسانی (مثبت)؛ ۱۰- نماد انسانی (منفی)؛ ۱۱- نماد انسانی (متغیر)؛ ندارد</p>	
<p>نمادهای گیاهی (مثبت)</p> <p>۱۲</p> <p>۱- «جوانه‌ی تازه روییده» ۲- «درختان تنومند» ۳- «شاخه‌های خود را به آسمان بلند کرده بودند»</p>	
<p>نماد گیاهی (منفی)</p> <p>۱۳</p> <p>«درختان بزرگ و در هم پیچیده»</p>	
<p>نماد گیاهی (متغیر)؛ ۱۵- نماد حیوانی (مثبت)؛ ۱۶- نماد حیوانی (منفی)؛ ۱۷- نماد حیوانی (متغیر)؛ ندارد</p>	
<p>نماد مادی (مثبت)</p> <p>۱۸</p> <p>۱- شب‌نم فداکار ۲- خورشید ۳- باد ۴- سایر قطرات شب‌نم</p>	

۱۹	نمادمادی (منفی)	-
۲۰	نماد ماورایی واقعی (مثبت)	۱- به آسمان رفتن ۲- «بخار شدن، ابر شدن، باران و برف شدن» ۳- «از آسمان برایم بگو» ۴- «روزی بزرگ خواهی شد»
۲۱	نماد ماورایی واقعی (منفی)	فرو رفتن در زمین
۲۲	نماد ماورایی غیر واقعی (مثبت)؛ ۲۳- نماد ماورایی غیر واقعی (منفی): ندارد	
۲۴	توضیحات بیشتر	این داستان تمثیلی، نمونه‌ی بسیار خوبی از شخصیت بخشی به گیاهان و عوامل طبیعی مانند باد، آب و خورشید است تا هدایت تکوینی، شکرگزاری موجودات، لزوم پیر و مرشد، ایثار، فداکاری و موانع رشد و کمال، صبر و استقامت را به خوبی به نمایش بگذارد. به نظرم از بین داستان‌هایی که تا کنون از نظر نماد پردازی بررسی کرده‌ام بعد از «حسنی و شاپرک در بهشت گمشده» این داستان پرمحتوا و نمادینی به گونه‌ای است که نمادهای آن می‌تواند آرام و لطیف، روح پاک و حساس کودکان را بنازد.

۷: سوسک طلایی و مرغ بد شانس

۱	خلاصه‌ی داستان	در مزرعه‌ای سر سبز و زیبا «مرغی» مرغ خوش اشتها و بی فکر داستان ما، با مرغ و خروس‌های دیگر زندگی می‌کرد. در یکی از شب‌ها، مرغی یک سوسک طلایی پیدا کرد و می‌خواست که او را بخورد. ولی سوسک، مرغی را فریب داد و به او گفت: روباه به ماه رفته و تو از این به بعد به راحتی می‌توانی که به بیشه رفته و هر چیز که دوست داری؛ بخوری. و خود در یک فرصت مناسب از دست مرغی فرار کرد. مرغی به مزرعه بازگشت و این خبر را به خروس داد و خروس با قوقولی کردنش همه را از این خبر خوب آگاه کرد. مرغی برای اطمینان از حرف‌های سوسک طلایی دوباره، به دنبال سوسک گشت و او را پیدا کرد و به او گفت: از کجا بفهمم که تو راست می‌گویی؟ سوسک فریب کار گفت: "شب هنگام به ماه نگاه کن. لکه‌ی قهوه‌ای که بر روی ماه است همان روباه است که به آن جا رفته است." مرغی فریب کامل خورد و به اتفاق جوجه‌هایش به بیشه رفت تا به شکار کرم‌های شب تاب بپردازد. روباه به کمین مرغی نشسته بود و گذاشت که مرغی، خوب به او نزدیک شود. ناگهان مرغی روباه را نزدیک خود در میان علف‌ها دید که چشمانش برق می‌زند. فهمید که از سوسک طلایی فریب خورده، سریع به چشم‌های روباه که مثل کرم‌های شب تاب می‌درخشید نوک زد و روباه پا به فرار گذاشت.
۲	شخصیت اصلی	مرغی
۳	شخصیت فرعی	۱- سوسک طلایی ۲- روباه ۳- خروس
۴	نماد واژه‌ای	۱- مرغی ۲- سوسک طلایی ۳- روباه ۴- خروس
۵	نماد واژه‌ای و مفهوم آن	۱- مرغی نماد شکم پرستی و ساده لوی و نماد تمام افرادی که بدون فکر و اندیشه فقط شکم خود را پر می‌کنند و از عاقبت اندیشی بر بهره‌اند. «مرغی نمی‌دانست، سوسک‌های طلایی که می‌خورد از کجا آمده‌اند! بدون هیچ فکری آن‌ها را با اشتها می‌خورد.» (نیک آئین، ۱۳۸۱: ۲) ۲- سوسک طلایی نماد فرصت طلبی و فریب کاری و نماد تمام افرادی که از کوچک‌ترین فرصت‌های پیش آمده استفاده کرده و با دروغ و نیرنگ خود را از تنگ‌ناها نجات می‌دهند. «سوسک طلایی می‌دانست اگر تکان نخورد مرغی او را خواهد خورد، به فکر فرصتی بود تا فرار کند و با زیرکی جواب داد: ...» (همان، ۴) ۳- روباه نماد مکر، فریب و دشمن قسم خورده‌ی مرغ و خروس ۴- خروس نماد خبر رسانی و آگاه کردن است.

<p>«با شنیدن این خبرخروس رنگارنگ روی پرچن پرید و با قوقولی قوقوی بلند خبر رفتن روباه به ماه را پخش کرد.» (همان، ۶)</p>	
<p>نوع نماد واژه ای (طبیعی-شخصی-مرسوم) ۱- مرغی - نماد شخصی ۲- سوسک طلائی - نماد شخصی ۳- روباه- نماد طبیعی ۴- خروس - نماد طبیعی</p>	۶
<p>نماد عبارت و مفهوم آن ۱- «بدون هیچ فکری» نماد عاقبت اندیش نبودن است. همین عامل نزدیک بود جان مرغی را به خطر اندازد. «مرغی نمی دانست، سوسک‌های طلائی که می خورد از کجا آمده اند! بدون هیچ فکری آنها را با اشتها می خورد.» (همان، ۴) ۲- «پوست روباه» نماد قیمتی بودن آن و همچنین نماد به مخاطره افتادن بعضی حیوانات به خاطر پوست شان می باشد. سوسک طلائی برای گول زدن مرغی گفت: «... وقتی روباه فهمید شکارچی‌ها دنبال پوست او هستند و زندگی در زمین برایش خطرناک است با یک پرش زمین را ترک کرد.» (همان، ۴)</p>	۷
<p>نوع نماد عبارت ۱- بدون هیچ فکری - نماد مرسوم ۲- پوست بعضی حیوانات - نماد مرسوم</p>	۸
<p>۹- نماد انسانی (مثبت)؛ ۱۰- نماد انسانی (منفی)؛ ۱۱- نماد انسانی (متغیر)؛ ۱۲- نمادهای گیاهی (مثبت)؛ ۱۳- نماد گیاهی (منفی)؛ ۱۴- نماد گیاهی (متغیر)؛ ندارد</p>	
<p>۱- سوسک طلائی ۲- خروس</p>	۱۵ نماد حیوانی (مثبت)
<p>روباه</p>	۱۶ نماد حیوانی (منفی)
<p>مرغی</p>	۱۷ نماد حیوانی (متغی)
<p>-</p>	۱۸ نماد مادی (مثبت)
<p>پوست بعضی حیوانات</p>	۱۹ نماد مادی (منفی)
<p>-</p>	۲۰ نماد ماورایی واقعی (مثبت)
<p>بدون هیچ فکر</p>	۲۱ نماد ماورایی واقعی (منفی)
<p>۲۲- نماد ماورایی غیر واقعی (مثبت)؛ ۲۳- نماد ماورایی غیر واقعی (منفی)؛ ندارد</p>	۲۴
<p>توضیحات بیشتر در این داستان برای کودکان، نکات بسیار خوبی وجود دارد که به قرار ذیل است: ۱- باید از شکم پرستی پرهیز کرد. ۲- در هر کاری فکر و اندیشه نمود و بی فکر، اقدام به عملی نکنند. ۳- به راحتی و بواسطه دلایل واهی، حرف دیگران را باور نکنیم و از ساده لویی می‌بایست پرهیز کرد. ۴- پوست بعضی حیوانات مانند روباه قیمتی و با ارزش است و ممکن است باعث مرگ حیوان شود. موارد فوق به خوبی توسط آقای مرتضی نیک آئین برای کودکان عزیز از روی تمثیل به صورت نمادین بیان شده است. نظرات کاملاً شخصی اینجانب در مورد این داستان ۱- وقتی این داستان را خواندم متوجه مطالب زیر شدم. در این داستان احساس‌های لطیف و عمیق وجود ندارد. روابط بین شخصیت‌های داستان منطقی است. بی باکی و بی مهابایی در آن به چشم می‌خورد. صحنه‌ی ترسناک گشتن مرغی در بیشه و کمین روباه با بی قیدی و سردی بیان شده. روابط بین شخصیت‌های داستان ساده و کمی خنده دار است. ۲- اگر نام داستان «سوسک طلائی و مرغ ساده لوی» انتخاب می‌شد؛ بهتر می‌بود. زیرا در این داستان بد شانس‌ی نصیب روباه شد نه مرغی. در صورتی که نام داستان «سوسک طلائی و مرغ بد شانس»</p>	

جمع‌بندی

الف- جدول کل نمادهای واژه‌ای موجود در ۷ اثر داستانی تخیلی کودک و نوجوان دهه‌ی ۸۰

ردیف	نماد واژه	ردیف	نماد واژه	ردیف	نماد واژه
۱	اژدها	۸	خواهر خرسی	۱۵	خورشید
۲	گره‌ی چکمه پوش	۹	مادر خرسی	۱۶	باد
۳	میلرز	۱۰	پدر خرسی	۱۷	مرغی
۴	پادشاه	۱۱	رنگین کمان	۱۸	سوسک طلایی
۵	غول	۱۲	مریم کوچولو	۱۹	روباہ
۶	حسنی	۱۳	عروسک سارا	۲۰	خروس
۷	برادر خرسی	۱۴	عروسک دارا		

ب- جدول کل نمادهای عبارت موجود در ۷ اثر داستانی تخیلی کودک و نوجوان دهه‌ی ۸۰

ردیف	نماد عبارت	ردیف	نماد عبارت
۱	مرد مسافر	۱۳	شب‌نم فداکار
۲	چاه تاریک	۱۴	سایر قطرات شب‌نم
۳	تعدادی مار	۱۵	درختان تنومند
۴	دو موش سیاه و سفید	۱۶	شاخه‌های خود را به آسمان بلند کرده بودند
۵	کندوی عسل	۱۷	فرو رفتن در زمین
۶	اژدهای هفت سر	۱۸	به آسمان رفتن
۷	اتحاد و هم بستگی	۱۹	از آسمان برایم بگو
۸	هوای ابری	۲۰	بخار شدن، ابر شدن، باران و برف شدن
۹	دیر بلند شدن بچه‌ها	۲۱	درختان بزرگ و در هم پیچیده
۱۰	باران شدید	۲۲	روزی بزرگ خواهی شد
۱۱	بیرون آمدن خورشید	۲۳	بدون هیچ فکری
۱۲	جوانه‌ی تازه روئیده	۲۴	پوست بعضی حیوانات

جدول کل مفاهیم نمادین در ۷ اثر داستانی تخیلی کودک و نوجوان دهه‌ی ۸۰

ردیف	مفهوم نمادین	ردیف	مفهوم نمادین
۱	لهو و لعب‌های دنیا	۱۷	عدد هفت
۲	خطرها و آفات زندگی آدمی	۱۸	دعوا و لج بازی
۳	سپری شدن عمر	۱۹	صلح و دوستی
۴	اجل در کمین نشسته	۲۰	تعامل طبیعت با احساسات شخصیت‌ها
۵	انسان بی خرد و عاقبت نیاندیش	۲۱	علت یابی، دعوا و لج بازی
۶	هوش و زیرکی	۲۲	متوجه اشتباه خود شدن
۷	وفای به قول و عهد	۲۳	شخصیت بخشی به عروسک‌ها
۸	اعتماد و اطمینان به دیگران	۲۴	هدایت تکوینی
۹	بی خردی غول	۲۵	شکرگزاری همه‌ی موجودات
۱۰	طمع	۲۶	لزوم پیر و مرشد
۱۱	ظاهرینی	۲۷	ایثار و فداکاری
۱۲	اتحاد و هم بستگی	۲۸	موانع رشد و کمال
۱۳	نا امید نشدن از شکست‌ها	۲۹	صبر و استقامت
۱۴	تفکر و اندیشیدن	۳۰	شانس
۱۵	شجاعت و دلیری	۳۱	نیرنگ و فریب
۱۶	تجربه آموزی	۳۲	شکم پرستی

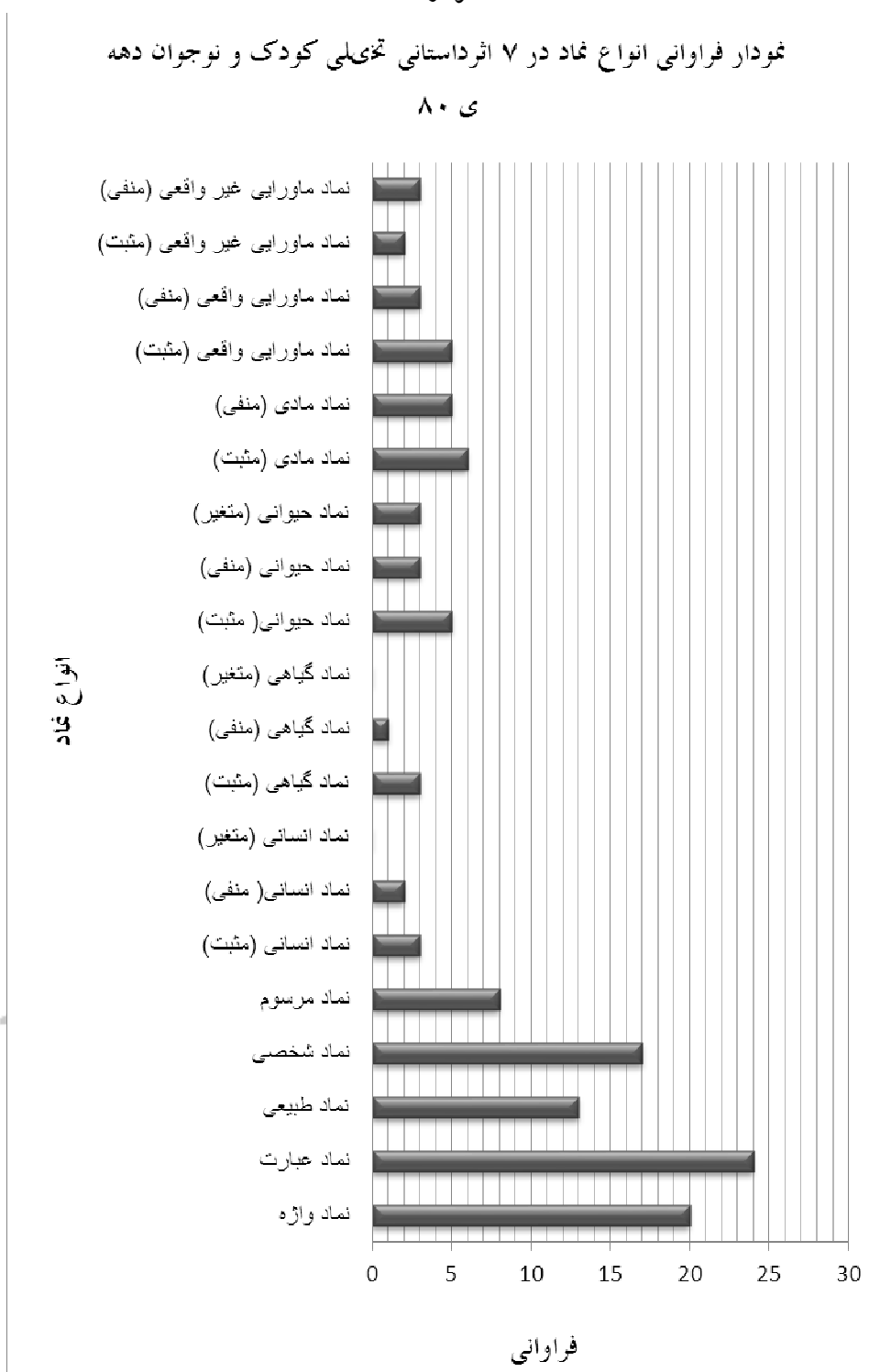
ت- جدول جمع بندی انواع نمادهای موجود در ۷ اثر داستانی تخیلی کودک و نوجوان دهه‌ی ۸۰

ردیف	نوع نماد	تعداد	ردیف	نوع نماد	تعداد
۱	نماد واژه	۲۰	۱۲	نماد حیوانی (مثبت)	۵
۲	نماد عبارت	۲۴	۱۳	نماد حیوانی (منفی)	۳
۳	نماد طبیعی	۱۳	۱۴	نماد حیوانی (متغیّر)	۳
۴	نماد شخصی	۱۷	۱۵	نماد مادی (مثبت)	۶
۵	نماد مرسوم	۸	۱۶	نماد مادی (منفی)	۵
۶	نماد انسانی (مثبت)	۳	۱۷	نماد ماورایی واقعی (مثبت)	۵
۷	نماد انسانی (منفی)	۲	۱۸	نماد ماورایی واقعی (منفی)	۳
۸	نماد انسانی (متغیّر)	-	۱۹	نماد ماورایی غیر واقعی (مثبت)	۲
۹	نماد گیاهی (مثبت)	۳	۲۰	نماد ماورایی غیر واقعی (منفی)	۳
۱۰	نماد گیاهی (منفی)	۱	۲۱	کل نمادها (واژه و عبارت)	۴۴
۱۱	نماد گیاهی (متغیّر)	-			

نمودار ۱

نمودار فراوانی انواع نماد در ۷ اثر داستانی تصویری کودک و نوجوان دهه

ی ۸۰



نتیجه گیری

از بررسی ۴۴ نماد داستان‌های تخیلی، با توجه به جداول الف، ب، پ و ت و نمودار ۱ نتایج ذیل به دست آمد. از بین نماد واژه و عبارت، نماد عبارت با فراوانی ۵۴/۵۵٪ و از بین نمادهای طبیعی، شخصی و مرسوم، بیشترین نماد به نوع شخصی با فراوانی ۳۸/۶۴٪ و فراوانی بیشترین نمادهای دیگر، به ترتیب ذیل است. ۱- نماد مادی (مثبت) ۱۳/۶۴٪

- ۲- نماد حیوانی (مثبت)، مادی (منفی) و ماورایی واقعی (مثبت) ۱۱/۳۶٪
 ۳- نماد گیاهی (مثبت)، حیوانی (منفی)، حیوانی (متغیر)، ماورایی واقعی (منفی)، ماورایی غیر واقعی (منفی) ۶/۸۲٪

مفاهیم نمادین این داستان‌ها ۳۲ عدد می‌باشد.

از طرفی می‌توان نمادهای واژه این ۷ اثر تخیلی را بر حسب فراوانی به ترتیب ذیل در ۴ گروه قرار داد.

۱. نمادهای حیوانی سخن گو مانند خروس، روباه، خرس‌ها و ...
 ۲. نمادهای ماورایی غیر واقعی مانند اژدها، گول و عروسک‌های سخن گو و ...
 ۳. نمادهای انسانی مثل حسنی، پادشاه و ...
 ۴. نمادهای مادی مثل شبنم، خورشید، باد، درخت، جوانه و ...
- هم چنین نمادهای عبارت این داستان‌ها را بر حسب فراوانی می‌توان در گروه‌های ذیل طبقه‌بندی کرد.
۱. نمادهای مادی مثل برآمدن خورشید، به آسمان رفتن، به موقع بیدار شدن و ...
 ۲. نمادهای حیوانی مثل تعدادی مار، موش سیاه و سفید و ...
- و مفاهیم نمادین این اثرها را می‌توان به ترتیب فراوانی در گروه‌های ذیل طبقه‌بندی کرد.
۱. مفاهیم درونی مثبت تفکر، هوش و اندیشه، عاقبت اندیشی، صبر، استقامت و ایثار و گذشت و ... شامل
 ۳. مفاهیم درونی منفی مانند نیرنگ، طمع کاری، بی‌خردی، ظاهر بینی و ... شامل مفاهیم معنوی منفی
- در پایان قابل ذکر است که می‌توان با بکارگیری انواع نمادهای بررسی شده در این مقاله، بسیاری از نکات ارزشمند اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و ... را، از طریق ادبیات داستانی کودک و نوجوان انتقال داد. از سوی دیگر این تحقیق قابل تعمیم بر روی انواع گونه‌های داستانی کودک و نوجوان و هم چنین بزرگ سال است و در این راستا داستان‌نویسان عزیز، می‌توانند با مطالعه‌ی انواع نمادها و تلفیقی از بهترین آن‌ها، داستان‌هایی جذاب و پر محتوا با هدف‌های غایی و از پیش تعیین شده نوشته و جهت تعالی و بالندگی جامعه‌ی کودک و نوجوان جهت رسیدن به ارزش‌های والای انسانی گام‌های اساسی و مؤثرتری برداشته شود.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم (۱۳۷۴)، مهدی الهی قمش‌های، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۲- آزادی، خدیجه (۱۳۸۶)، *دارا و سارا دوست مریم کوچولو*، تهران: دوست مهربان.
- ۳- رحماندوست، مصطفی، *نمادگرایی در هنر، رشد معلم* (۱۳۶۶)، ۵، ۵۴-۵۷.
- ۴- زمانی، کریم (۱۳۸۲)، *مثنوی معنوی*، تهران: اطلاعات، ۲.
- ۵- زنجانی، برات (۱۳۸۰)، *هفت پیکر نظامی گنجوی*، تهران: دانشگاه تهران.
- ۶- عابدی، محمود (۱۳۸۵)، *درویش گنج بخش*، تهران: سخن.
- ۷- میرصادقی، جمال (۱۳۹۰)، *عناصر داستان*، تهران: سخن.
- ۸- نیک آئین، مرتضی (۱۳۸۱)، *سوسک طلایی و مرغ بدشانس*، تهران: نیک پی.
- ۹- نیک آئین، مرتضی (۱۳۸۸)، *خرس کوچولوهای بازیگوش*، تهران: نیک پی.
- ۱۰- بی‌نام، (۱۳۸۱) *چاه پرخطر*، تهران: لیلا.
- ۱۱- بی‌نام، (۱۳۸۲) *گربه چکمه پوش*، امیرساسان مهجور، تهران: جهان پوش.